معما

ماجرای جسدی در کانال آب

ساعت ۱۱ شب بود که مردی هراسان با مرکز پلیس ۱۱۰ تماس گرفت و گفت یک جسد را در کانال آب روبه‌روی خانه‌شان نزدیک پارک تسهیلات در شرق تهران رها کرده‌اند.
وقتی بازپرس پژوهش به آن جا رسید با جسد جوانی ۲۵ ساله روبه‌رو شد که صورتی تراشیده، موهای ژل زده و سشوار خورده، پیراهنی سفید و خون‌آلود، شلواری مشکی با اتوی مرتب و کفش‌های مشکی براق داشت و روبه‌رویش بی حرکت بین زباله‌ها افتاده بود.
لابه‌لای لباس‌های مقتول گلبرگ سرخ رنگ گل سرخ هم به چشم می‌خورد.
چند اثر کبودی زیر چشم پسر جوان بود که نشان از درگیری داشت اما او با یک ضربه چاقو به قتل رسیده بود.
بازپرس در بررسی محل اصابت چاقو دید که رد تیغه تیز از روی ناف تا روی سینه و قلب امتداد دارد و از آن جا که از ناف به بالا جراحت عمیق‌تر می‌شد و در ناحیه قلب عمق ضربه از نیم سانتی متر به پنج سانتی متر رسیده بود، بازپرس پی برد که قاتل ضربه را به صورت پرتابی از پایین به بالا انداخته است که با پارگی شدید و خرد شدن استخوان‌های قفسه سینه تیغه چاقو به قلب قربانی رسیده است.
دکتر پزشکی قانونی هم گفت قتل حدود دو ساعت پیش رخ داده است.
خواهر مقتول هم با توجه به تماس پلیس با شماره‌ای که در موبایل مقتول به دست آمده بود به محل جنایت رسید. او به بازپرس گفت که تصور می‌کند برادرش با زنی از بیماران خانم دکتر که خودش منشی اوست رابطه دوستی دارد چرا که یک بار دور از چشم او مدارک بیماران را دیده و فریاد زده بود، یافتم یافتم اما بین بیماران خانم دکتر هیچ زن بی شوهری نبود که برادرم به او دل ببندد تا این که عصر امروز خیلی خوشحال بود و می‌گفت بالاخره توانسته دختر مورد علاقه‌اش را راضی به ملاقات کند.
بازپرس دستور داد تا تماس‌های تلفنی فراز بررسی شود. خیلی زود مشخص شد یک شماره تلفن متعلق به خانه‌ای با پیش شماره ۸۸۴۲ چندین بار با موبایل تماس داشته است.
هنوز عقربه‌های ساعت به ۱۲:۳۰ نیمه‌شب نرسیده بود که بازپرس با خواهر فراز و تیمی از پلیس جلوی خانه‌ای ایستاد و با خونسردی زنگ را به صدا درآورد.
صدای زنی از حیاط شنیده شد که پرسید چه کسی زنگ زده است؟ بازپرس خیلی آهسته گفت که پلیس است و خانه را به محاصره در آورده‌اند. صدای جیغ بلندی شنیده شد و به دنبال آن صدای دو مرد که بلند فریاد می‌زدند اورژانس را خبر کنید، شنیده شد.
با باز شدن در، بازپرس دید که زن جوان از تراس خانه به پایین پرتاب شده و نیمه بی‌هوش است. از آن جا که خواهر فراز، با مسائل پزشکی کمی آشنا بود، به داخل خانه انتقال داده شد و با دیدن غزاله فریاد زد: «این زن را می‌شناسم، بیمار خانم دکتر است.»
دو مرد که یکی لباس قهوه‌ای رنگ نامرتبی به تن داشت و موهایش ژولیده بود و دیگری پیراهن و شلوار سورمه‌ای رنگ پوشیده بود بدون این که اقدامی برای فرار کنند، بالای سر غزاله ایستاده بودند. ساعت ۲ بامداد شده بود که بابک به همراه برادر غزاله که مهدی نام داشت با سر و صورتی آراسته پیش روی بازپرس ایستادند.
مرد قهوه‌ای پوش جلوتر از دیگری وارد اتاق شد، او خود را بابک معرفی کرد و گفت: «شوهر غزاله هستم».

فراز را می‌شناختی؟

تا زمان وقوع قتل او را ندیده بودم، زندگی‌مان را سیاه کرده بود. غزاله بیماری روحی گرفته است. مزاحمت‌های تلفنی فراز زندگی‌مان را از هم پاشید.

از کی فهمیدی فراز مزاحم تلفنی است؟

همسرم می‌دانست من تعصبی هستم و ممکن است کار دست خودم بدهم اما ناچار شد به من بگوید. دیدم چه زجری کشیده است. تصمیم گرفتم درس عبرتی به این مزاحم بدهم، به همین دلیل از غزاله خواستم با او طرح دوستی بریزد. به یک ماه نکشید که فراز به همسرم اعتماد کرد اما غزاله حاضر نبود این رابطه را ادامه بدهد و از زنگ تلفن وحشت داشت. به اصرار من این کار صورت می‌گرفت تا این که خواستم با فراز قرار ملاقات بگذارد.

مهدی چه نقشی داشت؟

او برادر زنم است. هیچ کاره، بیچاره امشب مهمان ما بود و از زبان خواهرش شنید که من به کمک نیاز دارم. در واقع همسرم برادرش را فرستاد تا من تندروی نکنم اما نشد، حق فراز مرگ بود.

کجا قرار گذاشته بودید؟

سمت بولوار ابوذر. در تاریکی شب همه جا خلوت بود، بین چند درخت قرار بود غزاله و فراز همدیگر را ببینند. نشانی‌های فراز را تلفنی گرفته بودیم. او دسته گلی به همراه داشت و قرار بود موبایلش را جلوی دهانش بگیرد. وقتی او را دیدم برادر زنم از پشت به او چسبید و من به سر و صورت فراز زدم. او به التماس افتاد اما به یاد التماس‌های غزاله افتادم که با بی‌اعتنایی فراز، برایش کابوس شده بود. بعد از مشت و لگدی که به او زدم. به یاد چاقویی افتادم که همراه داشتم. آن را بیرون کشیدم و با بلند کردن دستم خواستم ضربه‌ای به سر و صورتش بزنم، به صورت قائم چاقو را پایین آوردم که مهدی صحنه را دید و صورت مقتول را به عقب کشید. هر چه در توان داشتم، به بازوهایم دادم. نتوانستم کنترل کنم و چاقو به قلبش نشست و شکمش را پاره کرد.
بازپرس با شنیدن اعتراف به قتل بابک سراغ برادر غزاله رفت.
مهدی گفت: وقتی شب قتل از موضوع مطلع شدم، خون جلوی چشمانم را گرفت اما چیزی نگفتم. در محل قرار بابک ابتدا او را به باد مشت و لگد گرفت و بعد از پشت او را چسبید تا من نیز دق‌دلی‌ام را خالی کنم. من از همان لحظه نخست تصمیم به قتل داشتم چاقویم را از جیب درآوردم تیغه چاقو چسبیده به انگشتانم زیر نور مهتاب برقی زد و من ضربه را به سمت مقتول پرتاب کردم فقط یک ناله کرد و همین!
بازپرس پژوهش که تصور نمی‌کرد در پایان این تحقیقات به دو مرد که هر کدام خود را قاتل معرفی می‌کند بربخورد، صبح فردای آن شب در گزارش خود به یک دلیل قاتل اصلی را معرفی کرد.

■ **پاسخ معما:**

قاتل کسی جز مهدی برادر غزاله نیست. بابک می‌گفت چاقو را بالا برده تا به سر و صورت مقتول بزند. در این صورت باید دسته چاقو را طوری می‌گرفت که عمود به بدن فراز باشد و اگر ضربه را بابک می‌زد باید از بالا به پایین پارگی صورت می‌گرفت اما مهدی گفت چاقو را در دستم گرفتم و تیغه به انگشتم چسبید یعنی چاقو در صورت ورود به بدن باید از پایین به بالا می‌شکافت، همان طور که در صحنه قتل مشخص بود چاقو از ناف وارد و تا قلب به سمت بالا کشیده شده. پس قاتل مهدی است.

جنایت سیاه مرد شیشه‌ای

مرد شیشه‌ای که به زور وارد خانه زن همسایه شده و وی را آزار داده بود، دیروز با حکم قضایی به ۲۰ سال زندان و شلاق محکوم شد. رسیدگی به این پرونده از سال ۹۷ به دنبال شکایت یک زن ۲۶ ساله به نام فائزه در دستور کار پلیس قرار گرفت. وی به ماموران گفت: اوایل سال ۹۷ بود و من و فرزند دو ساله‌ام در خانه تنها بودیم که زنگ در خانه به صدا در آمد. یک نفر با صورت پوشانده شده مقابل در خانه ایستاده بود. او خودش را مامور اداره برق معرفی کرد و من در را برایش باز کردم. چند دقیقه بعد او مقابل در آپارتمان مان ایستاد و من متوجه شدم او مرد همسایه است که نیما نام دارد. من در را باز کردم ولی او که حال طبیعی نداشت به زور وارد خانه شد. این زن ادامه داد: من از رفتارهای مرد همسایه شوکه شده بودم و می‌خواستم او را از خانه بیرون کنم که به رویم چاقو کشید و تهدید کرد اگر به خواسته شیطانی اش تن ندهم فرزند دو ساله‌ام را مقابل چشمانم می‌کشد. من مقاومت کردم اما به سمتم حمله کرد و بدون توجه به التماس هایم مرا آزار داد. به دنبال شکایت این زن، مرد همسایه ردیابی

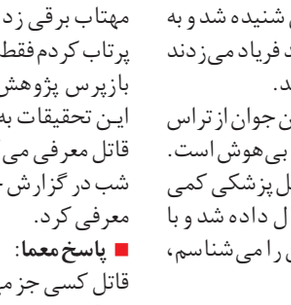

وی در شعبه ۱۲ دادگاه کیفری یک استان تهران به ریاست قاضی تولیت و با حضور یک قاضی مستشار پای میز محاکمه ایستاد. در ابتدای جلسه زن جوان در حالی که اشک می‌ریخت، در جایگاه ویژه ایستاد و گفت: مرد همسایه که متاهل است مرا آزار داد و موبایلم را به همراه ۲۰ هزار تومان پول نقدی که در خانه داشتم دزدید و فرار کرد. این ماجرا تأثیر بدی بر روحیه ام گذاشته و از نظر روحی و روانی به هم ریخته ام. شب ها کابوس می‌بینم و زندگی ام در آستانه فروپاشی است. سپس شیطان ۳۴ ساله در جایگاه ویژه ایستاد و گفت: من شیشه مصرف کرده بودم و حال طبیعی نداشتم که وارد خانه زن همسایه شدم. قبول دارم او را آزار دادم ولی به زور و تهدید او را وادار به این کار نکردم. وی که تو به نامه نوشته بود آن را به قضات ارائه داد و گفت: می دانم اشتباه کردم، به همین دلیل توبه کرده ام و از قضات می‌خواهم مرا ببخشند. در پایان جلسه، قضات وارد شور شدند و دیروز وی را به ۲۰ سال زندان و ۹۹ ضربه شلاق محکوم کردند.

پسر ۱۵ ساله به‌قتل پسر عمه ۹ ساله‌اش اعتراف کرد!

جنایت در زمین متروکه

شیطان ۱۵ ساله با کشاندن پسرعمه کوچک‌اش به زمین متروکه او را تسلیم نیت شوم خود کرد و به قتل رساند.
این قاتل شوم پس از چند روز سکوت وقتی پیش روی پلیس قرار گرفت، اعترافات تکان دهنده‌ای کرد.

■ **گم‌شدن پسرک**

روز پنج شنبه ۴ مهر امسال مردی آشفته با حضور در کلانتری ۱۱۵ رازی از ناپدید شدن پسر ۹ ساله‌اش خبر داد.
این مرد ادعا کرد، مجتبی ساعت ۳ بعد از ظهر از خانه‌مان در خیابان هلال احمر حوالی گمرک برای رفتن به پارک رازی از خانه خارج شد اما دیگر بازنگشت.
پدر نگران به ماموران گفت: به هر جایی که احتمال می دادم پسرم رفته باشد، سر زدم اما هیچ ردی از مجتبی نبود و جالب این که هیچ کس پسرم را داخل پارک هم ندیده بود.

■ **تجسس‌های پلیسی**

با توجه به ناپدید شدن مرموز این پسر بچه ۹ ساله، تیمی از ماموران اداره ۱۱ پلیس آگاهی تهران برای ردیابی این کودک وارد عمل شدند و در گام نخست از بهزیستی و اورژانس استعلام گرفتند اما هیچ کودکی با مشخصات مجتبی مشاهده نشده بود.
تحقیقات میدانی در پارک رازی صورت گرفت و این در حالی بود که هیچ یک از مغازه داران و افراد داخل پارک مجتبی را ندیده بودند و سناریوی مرموزی پیش روی کارآگاهان قرار داشت.

■ **یک‌سرنخ**

در حالی که خانواده مجتبی اظهار کردند به هیچ کس مظنون نیستند، ماموران دوربین های مداربسته مسیر رفتن پسر کوچولو تا پارک را بازبینی کردند و با صحنه عجیبی روبه‌رو شدند.
دوربین ها نشان داد مجتبی و یک پسر نوجوان از خانه خارج شده و به سمت نامعلومی حرکت کرده‌اند.
پلیس بر این باور شد که گم شدن مجتبی زیر سر همین نوجوان است و او می تواند کلید حل این معما باشد.

■ **اعتراف وحشتناک**

در این مرحله تصویر پسر نوجوان پیش روی خانواده مجتبی قرار گرفت. پدر این کودک وقتی تصویر پسر نوجوان را دید اعلام کرد که این پسر دایی مجتبی است.
همین سرنخ کافی بود تا ماموران برای ردیابی سرنوشت مجتبی ۹ ساله به سراغ حمید ۱۵ ساله بروند و جالب این که پسر نوجوان وقتی در برابر ماموران قرار گرفت خود را از ماجرای همراه بودن با مجتبی بی اطلاع نشان داد.
حمید اصرار داشت که در ماجرای ناپدید شدن مجتبی نقشی نداشته اما تناقض گویی‌هایش و تصویر دوربین مداربسته کافی بود تا سکوت را بشکند و پرده از جنایتی تلخ بردارد.
پسر نوجوان به ماموران گفت: روز پنج شنبه چهارم مهر بود که با نقشه قبلی به خانه دایی ام رفتم و منتظر ماندم تا مجتبی به خانه بیاید. پس از دو ساعت پسر دایی ام وارد خانه شد و پس از کمی بازی در خانه از او خواستم برای تفریح و بازی به خانه مادر نزدیکی اتوبان آزادگان برویم.
وی افزود: مجتبی نمی دانست چه نقشه ای در ذهن دارم به همین دلیل پیشنهادم را پذیرفت و با هم به سمت خانه‌مان حرکت کردیم. در مسیر به یک زمین متروکه دیوار کشی شده در نزدیکی کوره‌های آجرپزی رسیدیم و در آن جا نقشه شومی را که از قبل طراحی کرده بودم، به اجرا گذاشتم.
وی افزود: مجتبی التماس می کرد که کاری به او نداشته باشم اما دیگر اسیر وسوسه شیطانی شده بودم و مجتبی را هدف آزار و اذیت قرار دادم و چون نمی خواستم کسی از این ماجرا اطلاع پیدا کند با توجه به سر و صدایی که می کرد دست به قتل زدم. پسر نوجوان ادامه داد: پس از این که مجتبی را خفه کردم برای این که این داستان پنهان بماند، جسدش را زیر مقداری سنگ و کلوخ گذاشتم و به سرعت خودم را به خانه رساندم.
در این چند روز که ماجرای گم شدن مجتبی در فامیل پیچیده بود، سکوت کردم و چون کسی ما را ندیده بود، فکر نمی کردم دستگیر شوم تا این که پلیس به سراغم آمد و به ناچار لب به سخن باز کردم.

■ **پیداشدن جسد**

بدین ترتیب ماموران با توجه به اطلاعات به دست آمده از قاتل پسر کوچولو به محل جنایت رفتند و موفق به پیدا کردن جسد مجتبی ۹ ساله شدند. بازپرس ویژه قتل در این مرحله دستور داد، جسد برای بررسی های بیشتر و مشخص شدن علت مرگ به پزشکی قانونی منتقل شود.
بنابراین گزارش، حمید ۱۵ ساله به دستور بازپرس پرونده برای تحقیقات بیشتر در اختیار ماموران اداره ۱۰ پلیس آگاهی تهران قرار گرفته است.

■ تحلیل کارشناس

نبود آموزش جنسی پاشنه آشیل برخی خانواده ها

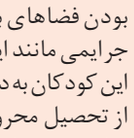

دکتر کاظم قجاوند
جامعه شناس و آسیب شناس اجتماعی
متاسفانه به دلیل بی توجهی والدین به اصول تعلیم و تربیت مناسب و نداشتن اطلاعات و آگاهی، گاهی اوقات شاهد رفتارهای نابه هنجار و انحرافی از طرف کودکان و نوجوانان هستیم.
در این پرونده به دلیل وقوع یک رابطه نامتعارف مبتنی بر آزار و زورگویی، قاتل به دلیل ترس از افشای این انحراف اخلاقی و مجازات هایی که در انتظارش از سوی خانواده و جامعه است، خشن ترین راهکار را انتخاب کرده و مرتکب قتل شده است. اگر خانواده ها آگاهی لازم در خصوص انحرافات و خطرات پیرامون و روابط پرخطر را به فرزندان بدهند، به آن ها آموزش دهند تا در این زمینه آگاه باشند و روش های پیشگیرانه را بیاموزند قطعا کمتر شاهد این اتفاقات خواهیم بود زیرا بروز رفتارهای انحرافی از سوی برخی افراد زمینه را برای وقوع قتل مهیا می کند. از طرف دیگر برخی کودکان که در مناطق پایین شهر و حاشیه های شهرها زندگی می کنند، بیشتر در معرض تعرض و آسیب قرار دارند زیرا آن ها اغلب متعلق به خانواده های آشفته هستند و به حال خود رها شده اند و والدین از نیازهای عاطفی، اقتصادی و حتی جنسی فرزندان اصلا اطلاعی ندارند. همچنین در دسترس بودن فضاهای بی دفاع در حاشیه شهرها زمینه بروز جرایمی مانند این پرونده را فراهم می کند. برخی از این کودکان به دلیل فقر و ناآگاهی از تربیت های خاص از تحصیل محروم هستند و چون در فضای آموزشی مناسب نبوده اند، فریب افراد سودجو را می خورند و به راحتی بعد از تعرض کشته می شوند. خانواده هایی که به تربیت دینی و مذهبی کودکان اهمیت نمی دهند و در تعلیم و تربیت قصور کرده اند فرزندان شان به راحتی در فضای یک رابطه غیر اخلاقی قرار می گیرند. این افراد که بعد از تعرض به طعمه خود او را به قتل می رسانند، به خاطر داشتن خصومت های شخصی با مقتول، ترجیح می دهند ابتدا او را از طریق رابطه جنسی تحقیر کنند، سپس برای انتقام جویی و حس لذت بیشتر طعمه خود را به قتل برسانند.

پایان فرار ۳۲ ساله قاتل زن همسایه

دزد نوجوانی که ۳۲ سال قبل در همسایگی شان دست به جنایت زده بود، در آستانه مجازات قصاص قرار گرفت.
این قاتل در حالی در دادگاه از خود دفاع خواهد کرد که اولیای دم برای وی حکم قصاص خواسته اند.
رامین ۵۰ ساله، ۳۲ سال قبل وقتی که ۱۸ سال داشت، پیرزن همسایه را با طمع دزدیدن پول هایش کشت و گریخت و پلیس نتوانست ردی از وی پیدا کند.

■ **۳۰ سال فرار**

رامین که زندگی مخفیانه را در پیش گرفته و در این سال ها صاحب همسر و دو فرزند شده است، سرانجام دوم تیرماه سال ۹۶ مقابل آژانسی که در آن با ماشین کار می کرد، در شرق تهران ردیابی و بازداشت شد و به قتل اعتراف کرد.

■ **جزئیات اعتراف**

وی در تشریح جزئیات ماجرا گفت: زمانی که ۱۸ ساله بودم، خانه مان در یاخچی آباد بود و پدرم وضع مالی خوبی نداشت. یک روز پدرم با من بحث کرد و مرا از خانه بیرون انداخت. من همان موقع به خانه خواهرم در عبدل آباد رفتم و چند روزی را آن جا ماندم. خواهرم می گفت پیرزن همسایه وضع مالی خوبی دارد. یک روز که مقابل در خانه خواهرم نشسته بودم، یک موتوری را دیدم که مقابل خانه پیرزن همسایه آمد و ۲۵۰ هزار تومان پول به او داد. همان موقع پیرزن به داخل خانه رفت و دقایقی بعد همراه با بزش به داخل کوچه برگشت. او مقداری علف به بزش داد و به خانه برگشت.
وی ادامه داد: من کنار دیوار نشسته بودم و نگاه می کردم. همان موقع فکر سرقت پول های پیرزن به سرم زد و تصمیم گرفتم وارد خانه او بشوم، دست و پایش را ببندم و پول هایش را بدزدم. به محض این که پیرزن به داخل حیاط خانه اش برگشت پشت سر او به داخل حیاط رفتم اما او مرا دید و شروع به فحاشی کرد. او مرا به بیرون از خانه هل داد که روی زمین افتادم. همان موقع چاقوی ۲۰ سانتی متری را دیدم که روی زمین افتاده بود. چاقو را برداشتم. پیرزن می خواست هر طور شده چاقو را از دستم بگیرد. تیغه چاقو در دستان او بود که چاقو را کشیدم و دستش بریدم.
این متهم ادامه داد: پیرزن فریاد کشید و به سمت حمام خانه اش فرار کرد. من همان لحظه او را تعقیب کردم و مقابل در حمام چهار یا پنج ضربه به او زدم. من فکر نمی کردم او ن مرده باشد. دست اش را با پارچه ای به شیر آب حمام بستم و چاقو را شستم. من همه اتاق ها را گشتم تا شاید پول را پیدا کنم اما هیچ اثری از پول ها نبود. به خانه خواهرم برگشتم و تلفنی ماجرا را به مادرم گفتم. من، مادر و خواهرم را تهدید کردم در این باره به کسی حرفی نزنند.
رامین ادامه داد: من همان روز به خانه پدرم برگشتم. خواهرم می گفت، پسر پیرزن وقتی به خانه برگشته و به ماجرای قتل پی برده، پلیس را مطلع کرده است. من بعد از این ماجرا چند سال برای کار به شهرستان رفتم و وقتی فهمیدم آب ها از آسیاب افتاده و پلیس ردی از قاتل پیرزن پیدا نکرده است، به تهران برگشتم، ازدواج کردم و صاحب فرزند شدم ولی در این سال ها همیشه حرف های مادرم در گوشم بود که می گفت خون پاگیر است و بالاخره یک روز دستگیر می شوم. حالا بیش از ۳۰ سال از این ماجرا گذشته و من خیلی پشیمانم. من از روی بچگی دست به چنین اشتباهی زدم.
به دنبال اعتراف های این مرد، در حالی برایش کیفرخواست صادر و پرونده اش به شعبه هفتم دادگاه کیفری یک استان تهران فرستاده شد که فرزندان قربانی برای وی حکم قصاص خواسته اند. پسر قربانی پس از شناسایی قاتل مادرش به ماموران گفت: من و همسرم برای شرکت در مراسم ختم یکی از بستگان به شهرستان خدابنده رفته و دختر دو ساله‌ام را پیش مادرم گذاشته بودیم تا این که همسایه ها با من تماس گرفتند و گفتند مادرم کشته شده است. من و همسرم بلافاصله به خانه برگشتیم و پلیس را مطلع کردیم اما در این سال ها هیچ ردی از قاتل مادرمان به دست نیامد. پلیس بعد از این سال ها با اظهارات یکی از همسایه ها که قاتل نوجوان را هنگام خروج از خانه مان دیده بود، توانست رد رامین را پیدا کند. اگر چه ۳۲ سال از این ماجرا گذشته است و من خودم سالخورده شده ام اما برای قاتل مادرم اشد مجازات را می خواهم.
با این درخواست، قرار شد رامین محاکمه شود اما با مرگ یکی از اولیای دم، پرونده به دادسرا برگردانده شد تا بعد از انحصار وراثت و مشخص شدن درخواست اولیای دم جدید، رامین از خود دفاع کند.

صفحه آرایی
واحد صفحه‌آرایی روزنامه خراسان
سفارش می‌پذیرد
layout@khorasannews.com ۰۵۱۳۷۰۰۹۳۹۰

آگهی مزایده اموال غیر منقول (اسناد رهنی) – آگهی مزایده اموال غیرمنقول پرونده اجرائی کلاسه ۸۸/۹ (۸۸۰۱۲۴۲)–بانک ملی ایران به استناد سند رهنی ۸۲/۰۵/۲۹–۱۱۸۲۰۴ دفترخانه ۱۴۵ تهران اجرائیه تحت کلاسه ۸۸/۹ (۸۸۰۱۲۴۲) در قبال مبلغ نهصد و سی و هفت میلیون و دویست و دوازده هزار و چهارصد ریال (۹۳۷/۲۱۲/۴۰۰ ریال) علیه شرکت پوشاک ماه توس سهامی خاص به شماره ثبت ۱۹۶۶۲۹ ثبت شرکت های تهران (بعنوان بدهکار) و آقای عباسعلی بوژ مهرانی فرزند رستمعلی به شماره شناسنامه ۱۵۱۳ (بعنوان راهن) اجرائیه ای صادر نموده که پس از ابلاغ اجرائیه ها در مورخ ۸۸/۰۱/۱۶ و ۸۸/۰۲/۰۹ و در پایان مهلت مقرر در آیین نامه اجرای مفاد اسناد رسمی لازم الاجرا و تقاضای بانک مبنی بر ارزیابی و مزایده تمامیت شدنافق یکباب منزل به مساحت کل دویست و چهل (۲۴۰) مترمربع دارای پلاک ثبتی دوازده هزار و هفتصد و سی (۱۲۷۳۰) فرعی از هشت هزار و هشتصد و دوازده (۸۸۱۲) فرعی از یکصد و هشتاد و دو (۱۸۲) اصلی بخش ده مشهد ملکی آقای عباسعلی بوژ مهرانی به آدرس مشهد بلوار معلم معلم ۷۱ (ستاری) ستاری ۱۳ پلاک ۴ جنوبی که حدود و مشخصات اجمالی ملک برابر گزارش هیات کارشناسان بدین شرح میباشد : ساختمان مذکور چهار طبقه (سه طبقه روی پیلوت) طبقات بالای پیلوت هر کدام یک واحد مسکونی به مساحت ۱۴۲ (صد و چهل و دو متر) مترمربع است و یک واحد مسکونی همکف ۸۲(هشتاد و دو متر) مترمربع و بقیه پارکینگ است ساختمان اسکلت فلزی با نمای سنگ بوده و فاقد آسانسور است پنجره ها پروفیل است راه پله کف و تا ارتفاع یک متر سنگ عرصه ملک ۲۴۰(دویست و چهل متر) مترمربع که ضلع شمالی و جنوبی آن خیابان است کل زیربنا ۵۷۶ مترمربع است پایانکار ارائه نگردیده است طبقات دارای اشتراک مستقل می باشند همکف : دو خوابه کف پذیرایی و خواب ها سرامیک شده بخشی از بدنه سنگ و مابقی کاغذدیواری سیستم سرمایش کولرابی و گرمایش کولرابی و رادیاتور می باشد آشپزخانه کف سرامیک و کابینت ام دی اف میباشد طبقه اول : سه خواب کف سرامیک دیوارها کاغذ دیواری آشپزخانه کف سرامیک و کابینت ام دی اف گرمایش شوفاژ و بخاری و شومینه سرمایش کولر آبی و کولر گازی طبقه دوم : سه خواب کف پارکت دیوارها کاغذدیواری و بخشی سنگ آشپزخانه کف سرامیک و بدنه کاشی و کابینت ام دی اف گرمایش شوفاژ و رادیاتور و شومینه سرمایش کولرابی طبقه سوم : سه خواب کف سرامیک دیوارها کاغذ دیواری آشپزخانه کف سرامیک و بدنه کاشی و کابینت ام دی اف سرمایش کولرابی گرمایش بخاری و خریشته سه باب انباری (۴/۳۹ مترمربع) در پشت بام قرارداد. با مشخصات ذکر شده و بررسی های بعمل آمده ارزش ششدانگ پلاک فوق با توجه به کلیه سوابق و جوانب امر، متعلقات پلاک، موقعیت مکانی، قدمت بنا، مساحت، تناسب ابعاد، ممر دسترسی، تراکم و در نظرگرفتن سایر عوامل موثر در ارزیابی از جمله عرف محل و مقایسه با معاملات املاک مشابه براساس میانگین نظرات هیات کارشناسی جمعا به مبلغ ۱۰/۶۷۰/۰۰۰/۰۰۰ ریال (ده میلیارد و ششصد و هفتاد میلیون ریال) ارزیابی گردیده است که برابر گزارش مامور اجرا در روز ارزیابی از حیث تصرفات در تصرف غیر می باشد حدود اجمالی ملک بدین شرح میباشد شمالا: به طول ۱۲ متر پی به خیابان شرقا: به طول ۲۰ متر پی در پی به پلاک ۱۲۷۳۱ فرعی جنوبا : به طول ۱۲ متر پی به خیابان غربا: به طول ۲۰ متر پی در پی به پلاک ۱۲۷۲۹ فرعی. برابر نامه شماره ۱۳۹۸۸۵۶۰۶۲۷۲۰۰۱۵۸۲ – ۱۳۹۸/۰۳/۱۲ اداره ثبت منطقه ۶ مشهد بواره ۱۳۹۸/۰۴/۲۳–۵۰۵۱ دارای چندین فقره بازداشتی می باشد. مزایده ششدانگ پلاک ثبتی فوق از مبلغ ۱۰/۶۷۰/۰۰۰/۰۰۰ ریال (ده میلیارد و ششصد و هفتاد میلیون ریال) در روز یکشنبه مورخ ۱۳۹۸/۰۸/۱۹ از ساعت ۹ الی ۱۲ ظهر در محل اداره اجرای اسناد رسمی مشهد شعبه اسناد رهنی واقع در مشهد خیابان پاسداران نبش پاسداران ۳/۱ شروع و به بالاترین قیمت پیشنهادی نقدا واگذار می گردد. لازم به ذکر است پرداخت بدهی های مربوط به آب، برق، گاز اعم از حق انشعاب و یا حق اشتراک و مصرف در صورتی که مورد مزایده دارای آنها باشد و نیز بدهی های مالیاتی و عوارض شهرداری و غیره تا تاریخ مزایده اعم از اینکه رقم قطعی آن معلوم شده یا نشده باشد به عهده برنده مزایده است و نیز در صورت وجود مازاد، وجوه پرداختی بابت هزینه های فوق از محل مازاد به برنده مزایده مسترد خواهد شد و نیم عشر و حق مزایده نقدا وصول می گردد ضمنا چنانچه روز مزایده تعطیل رسمی گردد، مزایده روز اداری بعد از تعطیلی در همان ساعت و مکان مقرر برگزار خواهد شد. م الف ۱۱۵–علیرضا لعلی – ریاست اداره اجرای اسناد رسمی مشهد
م/۹۸۰۸۹۲۵۳

آگهی مزایده اموال غیر منقول (اسناد رهنی) – آگهی مزایده اموال غیرمنقول پرونده اجرایی کلاسه های ۹۵۰۲۶۰۳ و ۹۵۰۱۹۳۱
شرکت سهامی پشتیبانی امور دام خراسان رضوی (وابسته به وزارت جهاد کشاورزی) به استناد اسناد رهنی شماره ۱۱۱۲۰۴–۹۴/۱۰/۱۹ و ۱۰۹۴۱۰–۹۴/۰۱/۱۹ دفتر اسناد رسمی ۶ مشهد علیه آقایان قاسم ندافی فرزند محمدعلی به شماره ملی ۰۷۰۳۵۴۷۶۰۷ و محمد جعفرپور کوشک مهدی فرزند عباس به شماره ملی ۰۹۳۲۷۸۱۹۰۱ اجرائیه ای تحت کلاسه ۹۵۰۱۹۳۱ و ۹۵۰۲۶۰۳ جمعا در قبال مبلغ ۱۵/۳۰۰/۸۶۱/۶۲۰ ریال(پانزده میلیارد و سیصد میلیون و هشتصد و شصت و یک هزار و ششصد و بیست ریال) صادر نمود که پس از ابلاغ اجرائیه در مورخ ۹۵/۱۱/۲۸ و ۹۵/۰۷/۱۲ و ۹۵/۰۶/۰۲ و در پایان مهلت های مقرر در آئین نامه اجرائی مفاد اسناد رسمی لازم الاجرا و تقاضای بستانکار مبنی بر ارزیابی و مزایده تمامت شش دانگ عرصه و اعیان یک باب مرغداری دارای پلاک ثبتی بیست و دو (۲۲) فرعی از یکصد و هفت (۱۰۷) اصلی بخش نه مشهد به آدرس : مشهد جاده کلات بعد از پاسگاه خلق آباد سمت چپ روستای گنبدواز جنب جنوبی آرامستان رضوان به مبلغ ۳۶/۵۰۰/۰۰۰/۰۰۰ ریال (سی و شش میلیارد و پانصد میلیون ریال) ارزیابی و قطعیت یافته که حدود و مشخصات و توصیف اجمالی ملک برابر گزارش کارشناسی در روز ارزیابی به این شرح می باشد : سند مالکیت ششدانگ یک باب مرغداری به شماره ثبت ۱۴۸۳ دفتر ۹۳۶ صفحه ۷۴۳، دارای پلاک ۲۲ فرعی از ۱۰۷ اصلی بخش ۹ مشهد به مساحت سی و چهار هزار و پانصد و شش ممیز هشتاد و نه (۳۴۵۰۶/۸۹) مترمربع واقع در مشهد – جاده کلات بعد از پاسگاه خلق آباد، سمت چپ روستای گنبد واز به نام آقای محمد جعفرپور کوشک مهدی، تصویر پروانه بهره برداری پرورش جوجه گوشتی به ظرفیت ۲۲۰۰۰ قطعه، تصویر پروانه حفر چاه به شماره ۹۳۵۰۲/۳۵/۳۳ به نام آقای محمد جعفر پور کوشک مهدی در پلاک ۲۲ فرعی از ۱۰۷ اصلی که تا زمان تنظیم گزارش مدارک و مستندات مبنی بر تمدید پروانه بهره برداری چاه به هیئت کارشناسی ارائه نگردیده است. عرصه و اعیان موجود : ۱– عرصه : یک قطعه زمین کشاورزی آبی زار به مساحت ۳۴۵۰۶/۸۹ مترمربع با احتساب مقدار آب استحصال شده. ۲– اعیان : یک باب سالن مرغداری به مساحت ۱۵۶۰ مترمربع با عمر متوسط ۱۵ سال قابل بهره برداری با امکانات به روز نظیر (دان خوری و آبخوری اتوماتیک، سیستم تهویه تونلی، سیستم گرمایشی هواساز و جت هیتر و سیستم خنک کننده پد و ...) یک باب انبار تهیه دان به مساحت ۲۷۳ مترمربع و ساختمانهای کارگری به مساحت مجموعا ۱۵۷ مترمربع، استخر ژئو ممبران به ظرفیت ۴۳۲ مترمکعب، دیوارکشی اطراف ملک به طول ۷۶۷ متر با ارتفاع ۲/۵ متر و عرض دیوار ۳۰ سانتی متر. ۳– دارای چهار منبع با ظرفیت ۲۴۰۰۰، ۱۳۰۰۰، ۲۰۰۰، ۵۰۰۰ لیتری برای نگهداری سوخت و آب مصرفی مرغداری، آسیاب میکسر حدود ۵ تنی، چاه و الکتروپمپ ۲ اینچ برقی به همراه ترانسفورماتور برق سه فاز. ۴– دارای ۱۲۰ اصله درخت مثمر (هسته دار و دانه دار) و حدود یک هکتار زمین زراعی در زمان تنظیم گزارش. با در نظر گرفتن کلیه پارامترهای موثر بر قیمت گذاری ، قیمت پایه پیشنهادی کل اعیان و عرصه و تجهیزات ششدانگ یک باب مرغداری به مساحت ۳۴۵۰۶/۸۹ مترمربع به میزان ۳۶/۵۰۰/۰۰۰/۰۰۰ ریال برآورد و پیشنهاد می گردد. و برابر گزارش کارشناس در روز ارزیابی پلاک موصوف در تصرف راهن می باشد. حدود و مشخصات برابر استعلام دفتر املاک به شرح ذیل است : شمالا : به طول ۱۶۰ متر دیواربست به زمین آقای حسین خوش اندام شرقا : به طول ۲۱۰ متر درب و دیواربست به زمین آقای حیدر نسترن جنوبا : به طول ۱۶۴ متر پی است به زمین آقای علی تبریز غربا: به طول ۲۱۸ متر اول پی است به زمین فرج صدقی دوم دیواربست به زمین مزبور. ملک موصوف برابر نامه شماره ۱۳۹۸۸۵۶۰۶۲۷۱۰۰۴۱۸۴ – ۹۸/۰۵/۰۶ به شماره وارده ۹۸۰۵۸۰۸–۹۸۰۵/۰۶ دفتر املاک بازداشتی فاقد بازداشتی می باشد. مزایده ششدانگ پلاک ثبتی فوق در قبال مبلغ ۳۶/۵۰۰/۰۰۰/۰۰۰ ریال در روز یکشنبه مورخ ۱۳۹۸/۰۸/۱۲ ساعت ۹ الی ۱۲ ظهر در محل شعبه اول اجرای ثبت مشهد واقع در مشهد خیابان پاسداران نبش پاسداران ۳/۱ اداره اجرای اسناد رسمی مشهد شعبه اسناد رهنی شروع و به بالاترین قیمت پیشنهادی نقدا واگذار می گردد. لازم به ذکر است پرداخت بدهی های مرب